



موضوع: اعجاز قرآن و پیامبر اکرم «ص»

## فهرست مطالب:

چکیده..... ص ۳

کلید واژگان..... ص ۳

مقدمه..... ص ۴

اعجاز قرآن..... ص ۵

۱- شناخت معجزه..... ص ۵

۲- دلیل عقلی بر معجزه..... ص ۵

معجزات پیامبر..... ص ۱۱

معجزات دیگر پیامبر..... ص ۱۸

چکیده:

نگرشی انسان به اعجاز قرآن و پیامبر در این تحقیق بدین گونه است که: انسانها عاجزند یعنی نمی توانند معجزه ای انجام دهند زیرا معجزه از واژه عجز آمده و به معنی کاری که دیگران از آوردن نظیر آنها عاجز باشند.

حال می خواهیم ببینیم که چه کسانی واقعاً و صدقاً معجزه آورده اند و چه کسانی پیامبر و پیام رسان از جانب خداوند هستند تنها کسانی پیام رسان الهی هستند که وقتی معجزه ای می آورند بهت و گواهی قاطعانه خداوند باشد و نیازی به مدام آوردن آن نباشد ما در این تحقیق تصمیم داریم از منابع و مأخذهای مختلف از جمله کتاب، احادیث و قرآن و... بررسی کنیم که: خداوند این عالم ملکوتی را که محمد امین نامیده است از بدو تولد با معجزات گوناگون و به واسطه او انسانها را به اسلام و یکتاپرستی دعوت کند.

کلیدواژگان:

معجزه- اعجاز- قرآن- پیام رسان- پیامبر اسلام حضرت محمد (ص)

آشنائی با قرآن و معجزات آن و در ادامه این مطالب با آوردن این معجزه (قرآن) یعنی برگزیده خداوند (پیامبر (ص)) و معجزات ایشان آشنائی شوند؛ همچنین وقتی صحبت از اعجاز و معجزه می شود خداوند از جانب خود پیامبرانی را به سوی زمین فرستاده تا نبوت را بر عهده بگیرند که مدعی نبوت می گوید من از جانب خدا پیام رسان اویم و برای اینکه نبوت خود را اثبات کند باید شاهد و گواهی بیاورد که از مردم عادی بر نمی آید تنها گواهی که چنین شخصی می تواند بیاورد معجزه است.

اعجاز قرآن بحث های گسترده ای دارد اما در این جا بصورت مختصر به آن می پردازیم.

وقتی صحبت از اعجاز قرآن می شود به معنای این است که قابل تحریف نیست و حتی قرآن مشرکانی که به تحدی برخاسته بودند، آنها را به آوردن سوره ای مانند آن دعوت می کند که آنها حتی از آوردن آیه ای مانند آن عاجز بودند و بزرگترین معجزه حضرت محمد (ص) که قرآن است غیر قابل تحریف و از معجزه های بی نظیر می باشد که تا به حال ۱۴۰۰ سال از نزول آن می گذرد و هیچ کس نتوانسته همانند آن را بیاورد که درایت تحقیق بیشتر در مورد آن صحبت می کنیم.

اعجاز قرآن:

برای شناخت اینکه چرا قرآن معجزه هست، در ابتدا باید به موارد زیر توجه نمود:

اولاً: شناخت معجزه

ثانیاً: دلیل عقلی بر معجزه

معجزه از واژه عجز آمده. به معنای کاری که دیگران از آوردن مانند و نظیر آن عاجز باشند و برای اثبات مدعی کسیکه

ادعای نبوت دارد می آید

پس معجزه می تواند دلیلی بر صداقت کسیکه مدعی نبوت می باشد قلمداد شود!

یا به تعبیری معجزه عقلی است یا نه..

برای اینکه این مسئله از نظر عقل به خوبی بررسی شود نیکو است مطلبی بیان شود و آن اینست که

دلیلی که برای عقلی بودن معجزه در سطور بعدی اقامه خواهد، در صورتی تمام هست که اعتقاد به خداوند و حداقل احتمال

وجود قیامت و عتاب و ثواب باشد. و در غیر این صورت در نظر خواننده تمام نخواهد بود.

حال بر فرض وجود خداوند و احتمال وجود ثواب و عتاب ابدی در آخرت چنین می گوئیم

برای اثبات نبوت راهی بجز معجزه هست یا نه..

باید گفت عظامحال است راهی بجز معجزه بتواند داعیه نبوت را ثابت کند

چون این شخص مدعی النبوة اگر همیشه راستگو بوده دلیلی نمی توان یافت که در این مورد (ادعای نبوت) راستگو باشد.

و اگر سابقاً دور عکوب بوده که باز هم نمی توان عظام ادعای به این بزرگی را قبول کرد

و اگر هم شاهی از اطرافیان و دوستان خود هم بیاورد باز عقل نمی تواند ادعای چنین شخصی را قبول کند

صدق دعوی و شاهی نمی تواند دلیلی برای حقانیت او باشد.. وجود پیامبر از جانب خداوند هم عظامحال نیست پس تنها

راهی که باقی می ماند برای اثبات صدق دعوی یک نبی عظام معجزه هست.

داستان از این قرار است:

مدعی نبوت می گوید من از جانب خدا پیام رسان اویم.. با این که ممکن است سابقه خوبی داشته باشد و باینکه شایان

خوبی هم دارد اما مردم نمی توانند براحتی قبول کنند که او از جانب خداوند باشد. حق هم دارند چون احتمالاً توطئه خود آن

شخص و دیگران براحتی داده می شود

به هر صورت هیچ عاقلی به صرف اینکه کسی چنین ادعایی کند و راستگو هم باشد یقین نمی کند. حال اگر چنین پیامبری

خواسته باشد در بین مردم قوانین و احکام گرد نکیر و محدودیت ایجاد کند که فکر نکنم هیچ ساده لوحی هم قبول کند که کسی واقعاً

از جانب خداست و وی پیام رسان اوست

حال آیامی توان وجود پیام رسان از جانب خداوند را به این خاطر که نمی شود به حرف کسی اطمینان کرد منکر شد!  
بهانطور که عرض شد نمی توان بجای وجود نبی را منکر شد. چون اولاً خدا هست و قدرت ارسال پیام رسان از جانب  
خودش را دارد.

ثانیاً هر کس هم چنین ادعایی بنماید احتمال اینکه صادق باشد را عقل می دهد مخصوصاً زمانی که گذشته ای بسیار صادقی  
داشته باشد.

در اینصورت هر عاقل منصفی درخواست یک گواه از جانب ان مدعی النبوه می کند  
حال گواه چه چیز می تواند باشد؟ دلیل عقلی که نمی تواند بیاورد.. چون عقل کلیات را ثابت می کند نه جزئیات و  
شخصیات.

شاید و گواهان بشری هم که بیان شد قابل قبول نیست  
تنها گواهی که چنین شخصی می تواند بیاورد معجزه هست...

اگر آن شخص کاری کرد که دیگران از انجام آن عاجز هستند خود گواهی است او انسانی مافوق است و نهایتاً  
موصول به قدرت الهی است

مثلاً حضرت موسی عصایش تبدیل اژدها شد. البته صورت چنین کاری را ساحران می توانستند انجام بدهند اما همین ساحران وقتی کار حضرت موسی (ع) را دیدند فهمیدند که این شخص کارش اصلاً شبیه کارهایی که خودشان می کنند نیست. آنها یقین کردند که حضرت موسی از جانب خداست..

این در مورد معجزه..

اما وقتی قرار است معجزه کواهی بر نبوت باشد تنها زمانی گواه هست که انسان در زمان همان مدعی النبوة باشد. و نقل اینکه فلان شخص معجزه داد عطلا قابل قبول نیست.

این حرف کاملاً منطقی است که نقل معجزه شخصی یقین برای شنونده ایجاد نمی کند که فلان پیامبر صادق بوده بلکه معجزه باید همیشه وجود داشته باشد برای اثبات ادعای پیامبر..

حال باید همیشه پیامبری باشد و در پی درخواست هر شخص معجزه بیاورد یا یک معجزه جاودانی وجود داشته باشد و حجت و گواه قاطعه خداوند باشد.

به نظرمی رسد معقول اینست که معجزه ای همیشگی باشد و نیازی به مدام آوردن معجزه نباشد.

که چنین چیزی در مورد گواه و معجزه همیشگی مسلمانان صادق است.



قرآن کتابی است که برای همیشه معجزه هست. یعنی زمانی توسط پیامبر نازل شد چنین ادعایی داشت که هیچ کس نمی تواند مانند آن را بیاورد. و حتی درخواست آوردن ۱۰ سوره از آن یا ۱ سوره از جانب این قرآن صادر شد.

در آن زمان باینکه دشمنان زیادی بر علیه اسلام بودند باز هم توانستند مانند ی برای آن کتاب بیاورند و در زمان ما هم چنین چیزی هنوز پیدا شده

همین که دیگران از آوردن مانند آن عاجزند دلالت بر این دارد این کتاب از دست قدرت بشر خارج است و یک امر الهی و قدسی است.

همه می دانیم یک سوره نوشتن کار بسیار سختی نیست اما چرا هنوز کسی نتوانسته سوره ای مطابق قرآن بیاورد! عجب بشر می تواند به کرات دیگر آسمانی سفر نماید کشفیات و ابدعات محیر العقول داشته باشد اما نمی تواند تنها یک سوره ای مانند قرآن بیاورد. آنهم بعد از ۱۴۰۰ سال!

آیا می توان باور کرد حضرت محمدی که هیچ بار دست به قلم نشده و امی (تحصیلات نداشته) بوده کتابی آورده که هنوز کسی نتوانسته آیه مثل آن را بیاورد.

یقیناً اگر چنین شخصی توانسته بدست قدرت انسانی خودش چنین کاری کند دیگر انسانها هم می توانند بکنند.

لذا هر عاقلی یقین می کند چنین چیزی فوق قدرت بشر است و کار، کار الهی است.

مگر نوشتن یک سوره چقدر مثل است که حتی قرآن گفته کل جن و انس با هم متحد بشوند تا چنین کتابی بیاورند  
نمی توانند مانندش رابیاورند. خب همه جمع شوند و مانند این کتاب رابیاورند و فاتحه اسلام را بخوانند.  
چطور ایستاده بوده صرف هزینه جنگ با اسلام می کنند برون صرف نوشتن یک سوره ساده بکنند و مانند آن رابیاورند. که  
مسلمین خلع سلاح بشوند.

در اینجا یک اشکال می تواند ایجاد شود که اصلاً آوردن مثل یک کتاب محال است و نمی تواند مانند آن را آورد تا  
تحدی مبارز طلبی قرآن موردیت داشته باشد که می توان گفت امکان چنین چیزی هست.  
آیا وقتی دو عاقل منصف جای نشینند نمی توانند داوری کنند که این نوشته فصیح تر است یا آن نوشته  
به هر صورت بر فرض اینکه مثل آن امکان پذیر نیست بهتر از آن رابیاورند.  
اگر چنین کنند باز هم برای رد معجزه بودن قرآن کافی است.

پیامبر یک نفره این کتاب رو آورده کل بشر جمع بشوند و یکی سوره از ۱۱۴ سوره قرآن فصیح تر از قرآن بیاورند

حتماً شایع و خرد کرده‌اید که بعضی از افرادی که منکر معجزه هستند معجزه را طوری تعریف می‌کنند که از همان تعریف معلوم بشود که یک امر ناشنی است. معمولاً در کتابهای مادیین این جمله پیدا می‌شود. معجزه را مرادف با صدفه یعنی تصادف می‌گیرند، صدفه به این معنا که یک حادثه‌ای در جهان پیدا شود بدون آنکه علتی داشته باشد یعنی ماحادثی داشته باشیم که آن حادثه اساساً علت نداشته باشد. معلوم است که این یک امر محالی است و اگر الهیون صدفه را به این معنا قبول کنند که حادثه‌ای پیدا شود بدون آنکه هیچ علتی داشته باشد، اولین ضربه بر خودشان وارد است و آن این است که دیگر دلیلی بر وجود خدا ندارند، خدا را به عنوان پدیدآورنده اشیاء معتقدند، و معتقدند که هر چه در جهان طبیعت هست بلا استثناء حادث است و هر حادثی و پدیده‌ای پدیدآورنده لازم دارد یا لا اقل - قبلاً گفته ایم - یکی از راههای استدلال الهیون که از قدیم می‌رفته‌اند همین راه بوده. معلوم است که این تعریف که معجزه یعنی یک حادثه‌ای پیدا شود خود به خود بدون علت بدون اینکه یک مبدأ و قوه‌ای در وجود آوردن آن دخالت داشته باشد، تعریف مغرضانه است و گذشته از اینکه دلیل الهیون در باب اثبات خدا را از میان می‌برد، آیت هم برای نبوت هیچ پیغمبری نمی‌شود. اگر یک حادثه

خود به خود به وجود آمده و هیچ قوه ای در ایجاد آن دخالت نداشته، این چه ربطی دارد به اینکه دلیل شود که این شخص پیغمبر است؟! یک حادثه ای خود به خود پیدا شده. این که معلوم است که حرف نامربوطی است.

کلمه (معجزه) اصطلاح مستکین است و در قرآن به این تعبیر یعنی همان چیزیایی که ما امروز معجزه می گوئیم با کلمه (معجزه) بیان نشده است، با کلمه (آیت) بیان شده است. آیت یعنی نشانه، یعنی چیزی که نشانه ای باشد بر صدق دعوی این پیغمبر. نه این است که این پیغمبر ادعا می کند که من اطلاع و علم و خبر خودم را از جهان دیگر آورده ام معجزه آن چیزی است که دلالت کند بر رابطه و اتصال او با جهان دیگر. به عبارت دیگر او ادعا می کند که علم و اطلاع من از جهان دیگر است، معجزه دلالت می کند که او که از جنبه علم و معرفت ادعا می کند اتصالش را با جهان دیگر، از جنبه قدرت هم باید نشانه ای از آن جهان بیاورد. مستکین از این، تعبیر به معجزه کرده اند برای اینکه یکی از لوازم آیت بودن این است که مردم دیگر ناتوان و عاجزند از آوردن مثل آن، و پیامبران هم مردم را به صورت تعجیز مخاطب قرار می دادند، می گفتند اگر می توانید، شما هم مثل این بیاورید. لهذا اسمش را گذاشته اند (معجزه) یعنی چیزی که آشکار می کند ناتوانی دیگران را، چون می گویند یک معنی باب (افعال) آشکار کردن است. ولی این کلمه یک نارسایی دارد و آن این است که هر آیتی آشکار کننده ناتوانی دیگران، هست یعنی دیگران در مقابل آن ناتوان هستند اما هر چیزی که دیگران در مقابل آن ناتوان باشند معجزه اصطلاحی یا به اصطلاح قرآن آیت نیست، چطور؟ این را من به

صورت ایراد ذکر می‌کنم. و بعضی اشخاص می‌گویند ماقبول می‌کنیم که پنجمین معجزه آورده اند و از آن جمله خود قرآن. ثانی کویید قرآن معجزه است به دلیل اینکه کسی مثل آن را نیاورده است. می‌گوید در هر رشته علمی یا ذوقی و صنعتی بشر بالاخره یک نفر هست که حد اعلی است که دیگران مثل او نیستند.

دانشمندان اسلام برای رسول کرامی، حدود هزار معجزه در کتب تاریخی - حدیثی نقل کرده اند.

اینها معجزاتی است که همزمان با ولادت آن بزرگوار شروع و تا پایان عمر آن وجود مقدس و منور ادامه می‌یابد. این دانشمندان معجزات رسول کرامی اسلام را بر دودسته تقسیم بندی نموده اند. طبق این تقسیم بندی، بعضی از معجزات در زمان حیات رسول کرامی اسلام بوقوع پیوسته است و بعضی نیز بعد از حیات آن بزرگوار محقق شده است. من ابتداء تقسیم بندی این دانشمندان اشاره خواهیم نمود و در انتها به یک تقسیم بندی جدید خواهیم پرداخت.

۱- دانشمندان اسلام، ابتداء معجزاتی پرداخته اند که در زمان خود آن بزرگوار به وقوع پیوسته است. منظور از زمان خود

آن حضرت، آن معجزاتی است که در طول ۳۷ سال عمر بر برکت آن وجود نورانی به وقوع پیوسته است و مردمان با

چشم دیده اند و برای آیندگان نقل نموده اند. از مهمترین این معجزات، حوادثی است که در هنگام ولادت آن

حضرت اتفاق افتاده است. طبق نقل مورخان اسلام، هنگامی که رسول خدا متولد شد، طاهر و پاک از هر گونه خون و

نجاست بود. بامای می مبارکشان زمین را لمس نمودند. بلافاصله به سوی کعبه به سجده افتادند. سپس سر مبارکشان را به سوی

آسمان بلند کرد و به توحید خدای یکتا و نبوت خودش شهادت داد. آنگاه حضرت آمنه، مادر کرامتشان را مورد خطاب قرار داده و این گونه به او فرمودند: «ولدت خیر الناس، فسمیه محمداً» یعنی بهترین انسانها را به دنیا آوردی، پس نام او را محمد بگذار. از دیگر عجایبی که در این نقطه اتفاق افتاد، این بود که: «تمامی بهایه صورت بر زمین افتادند. ایوان کسری، قصر بزرگ و باشکوه پادشاهان ساسانی، که حاکمان ایران آن روز بودند شکست و آتشکده فارس که حدود هزار سال روشن بود، به ناکاه خاموش شد».

بعضی دیگر از معجزات آن بزرگوار مربوط به زمان رسالت آن حضرت در مکّه است. گرچه از زمان ولادت تا رسالت آن بزرگوار، معجزات فراوان دیگری نیز اتفاق افتاد. اما چون بنای مابر نقل اجمال و اختصار است لذا از ذکر آن چشم پوشی می‌نمایم. از مهمترین معجزاتی که در این دوره اتفاق افتاد، می‌توان به واقعه «انذار» اشاره کرد که رسول مکرم اسلام از جانب خدای بزرگ و به وسیله آیه شریفه «وانذر عشیرتک الاقربین» (سوره شعراء، آیه ۲۱۴) مأمور ابلاغ آشکار رسالت گردید. رسول خدا برای اجابت این امر، ابتدا از نزدیکان خود شروع کرد و آنها را دعوت نمود. ابن اسیر که از مورخان مشهور اسلام است در کتاب تاریخ خود - الکامل - این واقعه را از زبان آقا و مولایمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چنین نقل می‌کند: هنگامی که آیه انذار نازل شد، رسول خدا مرا خواست و فرمود: یا علی، همانا خداوند مرا امر نموده که عشیره خویش را انذار نمایم. پس بر ایمن یک صلح گندم، یک پای کوفتند و

ظرفی شیرتیه نما و فرزندان را جمع کن تا آنها را طعام دهم، آنگاه آنها را از آنچه بدان امر شده ام، آگاه نمایم. علی علیه السلام می فرماید: آنگونه که رسول خدا فرموده بود، انجام دادم. دعوت شده با چهل نفر شدند. هنگامی که جنگلی جمع شدند، رسول خدا مراد ستور دافند طعامی را که ساخته بودم برایش بیاورم. رسول خدا پاره ای گوشت برگرفت. پاره پاره ساخت و در اطراف سفره ریخت و گفتند: بخورید به نام خدا. همه از آن طعام خوردند و نوشیدند و سیر شدند و خوراکها هم چنان باقی ماند. پس رسول خدا به سخن آمده و گفتند: ای فرزندان عبدالمطلب به خدا قسم هیچ جوان عربی نمی شناسم بهتر از آنچه من برای شما آورده ام، برای قوم خود آورده باشد. به راستی خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام و خدای مرا فرموده است: شمار به جانب او دعوت کنم. ای بنی عبدالمطلب! خدا مرا بر همه مردم عموماً و بر شما خصوصاً مبعوث کرده و گفته است: «وانذر عشیرتک الاقربین» و من شمار به دو کلمه ای که بر زبان سبک و در میزان سنگین است، دعوت می کنم. به وسیله این دو کلمه عرب و عجم را مالک می شوید و امتها را م شامی شوند. با این دو کلمه وارد بهشت می شوید و با همین دو کلمه از دوزخ نجات می یابید: گفتن لا اله الا الله و کواهی بر پیامبری من. پس کدام یک از شما را در این راه کمک می دهد تا برادر و وصی و خلیفه من در میان شما باشد؟ پس احدی از آنان وی را پاسخ نداد. اما من که از همه خردسالتر و کوچکتر بودم، گفتم: یا رسول الله! من شمار در این راه یاری می نمایم. پس گفت: بنشین! و سپس گفتار خویش را تکرار کرد و همچنان خاموش ماند تا من گفتار نخستین خود را باز گفتم. پس گفت:

بنشین! و بار سوم سخن خود را بر آنان تکرار فرمودند و احدی از ایشان حتی به یک حرف وی پاسخ نگفت و باز من  
 برخاستم و گفتم: یا رسول الله! برای یاری شما در این امر آماده ام. پس گردنم را گرفتند و گفتند: این است برادر  
 وصی و خلیفه من در میان شما. پس از وی بشنید و فرمایش را بسیرید... واقعه «شق القمر» یکی دیگر از معجزاتی است که  
 به دست رسول خدا قبل از هجرت در مکه و به پیشنهاد مشرکین انجام پذیرفت. در صحت این واقعه هیچ مسلمانی شک و  
 شبهه ای ندارد.

شرح این واقعه از این قرار است که: در یکی از شب های که قرص ماه کامل بود، مشرکین جمع شدند و به رسول خدا  
 گفتند: اگر در آنچه می گویی، صادق هستی ماه را دو نیم کن. رسول اکرم به آنها فرمودند: اگر این کار را انجام دادم،  
 ایمان می آورید؟ گفتند: آری. پس رسول خدا با انگشت مبارکش آن به سوی ماه اشاره نمودند که ناگاه ماه شق و دو نیم شد  
 به صورتی که کوه حرا از بین دو نیمه آن آشکار بود. قریش گفتند: این سحر «ابی کبشه» بود. آنجا که به یکدیگر گفتند: منظر باشیم  
 تا ساحران از خارج بیایند. بینیم آیا آنها هم این جریان را دیده اند یا نه؟ چون محمد صلی الله علیه و آله و سلم نمی تواند تمام  
 مردم عالم را سحر کند. ساحران یکی پس از دیگری از راه رسیدند و قریش جریان را از ایشان پرسیدند. گفتند: آری ما هم  
 دیدیم که ماه دو نیم شد. راجع به همین واقعه است که خداوند متعال آیات اول سوره مبارکه «قمر» را نازل فرمودند.  
 بعد از این جریان نیز معجزات دیگری به وسیله رسول گرامی اسلام و به اذن خدای متعال صادر شد.



بعضی از معجزات دیگری که از رسول خدا صادر شده است به شرح ذیل می باشد:

الف - خبر دادن رسول گرامی اسلام از خورده شدن عهدنامه قریش بنی بر محاصره شدید اقتصادی مسلمان.

ب - «لیده المیت» که رسول اکرم از بین دشمنانی که برای به قتل رساندن آن بزرگوار خانه اش را محاصره کرده

بودند گذشت. در این شب مولا امیرالمومنین در بستر مبارک رسول مکرم خوابید و جانش را برای تقدیم به حضرت

حق، به رسول اکرم هدیه نمود. که این آیه نازل شد:

«ومن الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله والله رءوف بالعباد»

(سوره بقره - آیه ۲۰۷).

ج - ایجاد رعب و وحشت بر قلب مشرکین در جنگ خندق و... معجزات دیگر.

- معجزاتی که بعد از رحلت رسول گرامی اسلام اتفاق افتاد نیز بسیار زیاد است. در اینجا به ذکر دو نمونه اشاره می کنیم:

الف - خبر دادن از آن چیزی که برای اهل بیت مبارک و مطهرش بعد از او می گذرد. آن بزرگوار از نحوه برخورد

مسلمان با اهل بیت و نحوه شهادت آنها خبر می دهد.

ب - او شهادت عاریا سربه دست «فرقه باغیه» را خبر می دهد و هشدار می دهد که مبادا مسلمانان در جمع قاتلان عار باشد.

## معجزات دیگر:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله علاوه بر قرآن معجزه های فراوان دیگری داشته است که برای اطلاع کامل می توان به کتابهایی که در این زمینه نگارش یافته است، رجوع کرد. در این جا به ذکر چند معجزه بسنده می کنیم:

۱. حرکت درخت به خواست پیامبر صلی الله علیه وآله چنان که شرح آن در نج البلاغه (خطبه قاصه) آمده است.

۲. در سفر تبوک، اصحاب از تشنگی شکایت کردند حضرت دست مبارک را در آب ظرفی که حتی یک نفر با آن

سیراب نمی شد، گذاشت و آب آن افزایش یافت به گونه ای که یکی از آن آب خورده و حتی چهارپایان را نیز

سیراب نمودند.

۳. به هنگام هجرت از مکه به مدینه در میان راه به خیمه زنی به نام «ام معبد» رسید در خیمه کوسفند لاغری باستان های خشکیده

بود. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: اگر رخصت دهی شیر آن را من بدوشم. آن گاه بادست کشیدن به پستان های

کوسفند و خواندن دعا، آن قدر شیر از پستان کوسفند دوشید که «ام معبد» و همه اصحاب از آن نوشیدند و سیر شدند و در

آخر نیز خود نوشید.

۴. ستونی از درخت خرماد مسجد مدینه بود که پیامبر صلی الله علیه وآله به هنگام خواندن خطبه به آن تکیه می داد. و آن گاه که نبر ساختند و پیامبر از ستون مفارقت کرد، به ناله درآمد (مانند نالیدن کودک برای مادر مهربان، یا مثل ناله ناله برای بچه خود) تا آن که آن حضرت از نبره زیر آمد و آن را در گرفت و تسلی داد.

۵. به هنگام هجرت از مکه، یکی از مشرکان به نام «سراقه بن مالک» که در تعقیب آن حضرت بود به وی رسید، پیامبر صلی الله علیه وآله در آن حال دعا فرمود که: «الهی، به هر صورت که خود می دانی، شر او را از من دفع کن»، به نگاه دست و پای اسب سراقه در زمین هموار و بی گل ولای، فرورفت و به کلی از حرکت باز ایستاد! سراقه گفت: ای محمد! دانستم که این کار تو ست. اکنون دعا کن تا از این ورطه رهایی یابیم و من عهد می کنم که باز کردم و هر کس را که از عقب آید باز کرد انعم. حضرت در این هنگام دوباره دعا فرمود و زمین اسب او را رها کرد و او باز کردید.

۶. به هنگام هجرت به مدینه، وقتی آن حضرت وارد غار کردید که تری برد غار آشیانه ساخت و عنکبوتی تار کشید به طوری که وقتی مشرکان به در غار رسیدند گفتند ممکن نیست در این سال کسی به این جاد آمده باشد.

۷. در جنگ خیبر، وقتی زینب بنت حارث که یهودی بود، کوسمند زهر آلودی را به رسم هدیه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و آن حضرت از پاه آن کوسمند لقمه ای در دهان مبارک نهاد، آن لقمه به سخن آمد و گفت: از من نخور، زیرا من به زهر آلوده شده ام. و آن حضرت لقمه را اینداخت.

منابع و مأخذ:

- ۱- نتهی الآمال - ج ۱- شیخ عباس قمی
- ۲- کتاب اعجاز از نظر عقل و قرآن، تألیف استاد سید محمد حسین طباطبائی - قم
- ۳- کتاب قرآن و آخرین پیامبر - ناصر مکارم شیرازی - تهران - دارالکتب الاسلامیه
- ۴- تحقیقی پیرامون معجزه به ضمیمه جهان بینی - حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی - قم - نشر قدس